فقط ملوان، مقاومت سپاسی و استقلال اهواز پاک پاک اند

بازیکنان خارجی به فوتبال ما چه داده اند؟

[علی رضایی]

گروه ورزشی- گرایش تیم های لیگ برتری فوتبال ایران به بازیکنان خارجی بیشتر و بیشتر می شود. آمارها نسبت به گذشته قابل قیاس نیست. در کمتر بازی این سطح لژیونر خارجی به چشم نمی آید. تنها دو سه تیم هستند که طبق قواعد خاصی حرکت می کنند و در این راه از سایرین پیروی نمی کنند. فجرسپاسی و ملوان از آن جمله اند. اما اکثر تیم ها برای پوشش کمبودهایشان چشم به بازیکنان دیگر کشورها دوخته اند. این فوتبالیست ها می توانند عراقی باشند یا از کشورهای مشترک المنافع بیایند. هیچ فرقی هم نمی کند. قیمت آنها چندان هم بالا نیست و می توان در برخی پست ها روی چنین نفراتی حساب باز کرد. برزیلی ها و دیگر یاران آمریکای جنوبی نیز جایگاه خاص خود را دارند. وقتی پای برزیل وسط می آید خواه ناخواه مربیان و مسئولان باشگاه تمایل بیشتری برای جذب این بازیکنان نشان می دهند و البته روی همین تصمیم های احساسی ضررهای زیادی متوجه آنها شده است.

خرید فوتبالیست های خارجی مختص لیگ برتر نیست. در لیگ دسته اول و حتی دسته دوم هم بازیکن های رنگین پوست فراوانی حضور دارند. عده ای این جریان را نوعی چشم و هم چشمی می دانند.

گروهی دیگر قیمت پائین این ورزشکاران نه چندان مطرح را علت جذب آنها عنوان می کنند. برخی دیگر نیز جنبه های بین المللی این موضوع را مطرح می کنند.

یک قانون نانوشته همواره درباره به کارگیری یاران خارجی وجوددارد و بارها از زبان مربیان داخلی شنیده شده است. تقریباً همه آنها می گویند که بازیکن خارجی باید دست کم یک سر و گردن از نفرات داخلی بالاتر باشد تا نکات تازه ای برای بازیکن های خودی به دنبال داشته باشد.

اما آیا در عمل همین مربیان به این عقیده خود پایبند هستند؟ آیا بازیکن های خارجی شاغل در لیگ ایران در سطحی به سر می برند که کیفیت بازی ها را بالا ببرند یا این که صرف خارجی بودن تنها جنبه ظاهری بین المللی به این مسابقه ها بخشیده اند؟

از روزی که آلن راجرز سرمربی انگلیسی پرسپولیس در دهه ۵۰ آلن ویتل مهاجم هموطن خود را به این تیم آورد تاکنون فوتبالیست های خارجی زیادی به عضویت تیم های ایرانی درآمده اند.

درواقع موج اصلی ورود بازیکن ها در دهه ۶۰ شروع شد و از اواخر این دهه شدت پیدا کرد تا جایی که هم اکنون حدود ۴۰ بازیکن خارجی تنها در لیگ برتر ایران توپ می زنند. افزایش چشمگیر تعداد بازیکن های خارجی در رقابت های فصل اخیر لیگ برتر با واکنش های زیادی همراه شده و عده ای نیز این روند را نگران کننده می دانند. کارشناسان کیفیت نه چندان بالای فوتبالیست های خارجی را تنها ضعف لیگ برتر قلمداد کرده و به این خاطر باشگاه ها و مربیان را مورد نکوهش قرار داده اند.

● بدون ضابطه

به کارگیری بازیکن های خارجی در لیگ های مختلف ایران از دیدگاه های مختلف قابل بحث است. فدراسیون های بسکتبال و والیبال با درنظر گرفتن پیشنهادها و انتقادهای مربیان و کارشناسان این موضوع را مدنظر قرار داده اند و حتی محدودیت هایی قائل شده اند. در این فصل بسکتبالی ها تنها حق استفاده از ۲ بازیکن خارجی را دارند تا جا برای هنرنمایی بازیکن های داخلی هم باز شود.

اوضاع در والیبال نیز چنین است. در لیگ هایی نظیر کشتی که سرمایه گذاری ها نسبت به گذشته کاهش یافته کمتر شاهد حضور ورزشکاران خارجی هستیم. اما هندبال، بدمینتون، پینگ پنگ و... نیز همچنان چشم به لژیونرهای دیگر کشورها دارند اما هیچ یکی از رشته های یاد شده گستردگی فوتبال را در این زمینه ندارند و در عین حال می توان فوتبال را تنها رشته ای دانست که هیچ ضابطه ای در آن برای خرید بازیکن های خارجی وجود ندارد و تنها سقف ۵ بازیکن در فهرست کل تیم و محدودیت استفاده حداکثر ۳ بازیکن به طور همزمان در ترکیب آن اعمال می شود اما کسی به کیفیت لژیونرهای خارجی کاری ندارد و این همان چیزی است که کارشناسان بارها هشدار داده اند. البته فراموش نکنیم این موضوع در اکثر لیگ های جهان وجود دارد و تنها شاید انگلیسی ها هستند که شرط حضور در ۷۵ درصد بازی های ملی در دو سال آخر عمر بازیگری بازیکن های خارجی را برای حضور در لیگ برتر خود اعمال کرده اند.

● تاثیر خارجی ها

جلال چراغپور کارشناس برجسته فوتبال ایران درباره حضور و تأثیرات بازیکنان خارجی در فوتبال ایران تحقیقات و بررسی های جامعی را صورت داده است و در این زمینه حرف های جالبی برای گفتن دارد. چراغپور با انتقاد از خریدهای بی کیفیتی که بسیاری از باشگاه ها انجام می دهند می گوید: «کسی توجه نمی کند که این بازیکنان فوتبال ما را ارتقا می دهند یا این که خود در لیگ کشورمان ارتقا می یابند؟ متأسفانه همه دارند چشم بسته عمل می کنند. من به شما قول می دهم بسیاری از ورزشکاران خارجی در اینجا رشد کرده اند و بعدها با قیمت های بالا به تیم های دیگر رفته اند. آدریانو آلوز یک نمونه است. این بازیکن ابتدا به شهاب زنجان رفت و بعد از آن به استقلال اهواز، مس کرمان و سایپا رسیده است. آیا آلوز روزی که به دسته یک ایران آمد همین طور بازی می کرد یا در اینجا رشد و پیشرفت داشته است؟ یا همین ساها مدافع فصل قبل پرسپولیس را در نظر بگیرید که تازه در اواخر فصل شکل یک بازیکن را پیدا کرد.» این کارشناس در ادامه بحث خود می افزاید: «متأسفانه شرکت هایی که این بازیکن ها را می آورند بازیکن های مازاد و درجه چندم را به تیم های ما تحمیل می کنند و با همین فلسفه شاهد حضور یاران خارجی در تیم های باشگاهی هستیم. خاطرم هست زمانی که سرمربی تیم پتروشیمی تبریز بودم یک واسطه آمد و دو بازیکن خارجی را به من معرفی کرد که نپذیرفتم. حتی پیشنهاد داد ۵۰ درصد قراردادشان به من برسد اما این فوتبالیست ها حتی در حد یاران معمولی خودمان هم نبودند. بعد از مدتی همان خارجی ها را در لیگ برتر دیدم!»

چراغپور درادامه تجزیه و تحلیل خودنسبت به روند رو به افزایش حضور لژیونرهای خارجی در لیگ برتر ایران چند عامل را مدنظر قرار می دهد: «۱) ترانسفر نشدن بازیکن به اروپا ۲) درخشش بازیکن های پا به سن گذاشته و بازنشسته ۳) خموشی و سکون کیفی لیگ برتر.» وی در این باره توضیح می دهد: «روند ارتقای لیگ برتر از حرکت ایستاده است و به همین خاطر این خارجی ها خوب به نظر می رسند. اگر لیگ پیش رونده بود واقعیت های این نفرات کاملاً آشکار می شد. اکنون وقتی «سان جان» در کنار اطرافیانش مانند جباری قرار می گیرد خواصی پیدا می کند. یا این که الونگ که یک هافبک است گاهی در دفاع به کار گرفته می شود و همه از او تعریف می کنند. اما به راستی آیا اینها به پیشرفت فوتبال ما کمک می کنند؟»

● کمبودها

یکی دیگر از عواملی که راه ورود این فوتبالیست های خارجی را به لیگ ایران هموارتر کرده، مشکلات موجود در برخی از پست هاست. به طور مثال تیم های ایرانی در تولید سانترفورواردها و گلزدها فعالیت آنچنانی ندارند. اوضاع در دفاع چپ نیز به همین منوال است. از طرفی دیگر کوچ گروه زیادی از ستاره ها به لیگ های حاشیه خلیج فارس نیز لیگ داخل را از وجود بازیکن های بزرگ تهی کرده تا بخصوص در نوک خط حمله شاهد حضور بازیکن های معمولی خارجی باشیم. چراغپور دراین زمینه توضیح می دهد: «فکر می کنید چرا استقلال به این روز افتاده است؟ چون که بازیکن تمام کننده ندارد. حتی تیمی مانند سپاهان هم بازیکن نوک ندارد و از محمود کریمی نپذیرفت به دنبال خرید یک دفاع چپ خارجی است. دراین بخش استفاده می کند در حالی که فوتبال بین المللی چنین مسائلی را نمی پذیرد. علی دایی ۱۵ سال دراین زمینه بر فوتبال ما حکومت کرد اما حالا یک جانشین برای او نداریم در نتیجه تیمی مانند صبابارتی هم دو بازیکن یک شکل و خیلی معمولی (آدریچ و ماچکیچ) را در زوج خط حمله خود قرار می دهد.

وضع در بخش دروازه بانی نیز همین طور است. سپاهان و ذوب آهن سال ها به خاطر آرمناک نتایج خوبی گرفتند. هم اکنون هم تک ستاره هایی مانند محمدی درون دروازه سپاهان بسیاری از مشکلات این تیم را برطرف می کند اما خیلی تیم ها چنین وضعی ندارند.» به عقیده این کارشناس علاقه ذاتی ایرانی ها به کارهای تکنیکی و با توجه به فیزیکی که ورزشکاران کشورمان دارند عمده تولیدات تیم ها در بخش میانی است. عدم تعهد برخی از مدیران و نیز شهرت طلبی آنها عامل دیگری است که در بررسی های چراغپور جزو عوامل ورود کوکورانه فوتبالیست های خارجی بدون کیفیت به لیگ ایران قرار گرفته است.

● ملی پوش؟

از نکات مهمی که در بخش لژیونرهای خارجی شاغل در لیگ ایران می توان مورد توجه قرار داد وضع کنونی آنها نسبت به فوتبال ملی خودشان است. از میان ۴۰ بازیکنی که در باشگاه های مختلف کشورمان پراکنده اند چندیار ملی پوش وجود دارد؟ بررسی تک به تک باشگاه ها در این راه می تواند کمک کند تا از وضع خارجی ها و پست هایی که در آن تخصصی دارند باخبر شویم.

پرسپولیس: دراین فصل تنها الونگ، هافبک ۲۳ سال کشور شده بود. افشین قطبی که ساها را نپذیرفت به دنبال خرید یک دفاع چپ خارجی است.

سپاهان: دراین تیم عبدالوهاب ابوالهیل هافبک عراقی دیگر به تیم ملی دعوت نمی شود. عمادرضا که مهاجم است پس از مدت طولانی در فهرست تیم ملی عراق قرار گرفته اما با افت محسوسی که داشته بعید است جایی برای خود دست و پا کند. سپاهان جابامجیری دفاع چپ گرجستانی و کیبریلو مهاجم نیجریه ای را هم دارد که فوتبالیست های درجه دومی در کشور خود محسوب می شوند.

صبابارتی: امیر تولیا گلر این تیم چند سال پیش در تیم ملی بوسنی بازی می کرد امادراین دوفصل اخیر خبری دراین زمینه به گوش نرسید. آلن آدریچ بلندقامت در خط حمله هم بازیکنی نیست که صرف ها چندان توجهی به او کنند. حتی ماچکیچ دیگر مهاجم این تیم که گفته می شد آقای گل لیگ ازبکستان است چیزی نشان نداده است.

ابومسلم: مشهدی ها فصل گذشته ایوان پتروویچ، هافبک چپ پای صرب را به عنوان بهترین پاسور لیگ معرفی کردند و امسال هم او را حفظ کرده اند. عرفان اولروم که از سرخ پوشان در لیگ شروع کرد و به فولاد و پس از آن به ابومسلم آمد و حتی آقای گل لیگ ایران شد هم در تیم مشهدی بازی می کند اما هیچ کدام از این دو در کشورهایشان شناخته شده نیستند. فرانک آتسو مدافع توگویی که در جام جهانی ۲۰۰۶ بازی کرد جزو معدود خوب های لیگ ایران است که البته اخیراً رابطه اش با ابومسلمی ها چندان خوب نیست.

راه آهن: دو ملی پوش ارمنستانی دارد. کاسپاروف درون دروازه و میختاریان که هافبک- مهاجم است. میختاریان چند روز پیش در رقابت های مقدماتی یورو ۲۰۰۸ مقابل صربستان بازی کرد.

سایپا: دایی برای جانشینی خود آدریانو آلوز را از مس کرمان به خدمت گرفت. این برزیلی کاملاً در لیگ ایران رشد کرده است. آلو تراثوره مدافع اهل مالی و برادر عیسی تراثوره بازیکن سابق پاس و اورلاندو سیلوا هافبک برزیلی دیگر خارجی های سایپا هستند. کسی به طور دقیق نمی داند سایپایی ها روی چه ویژگی سیلوا حساب باز کرده اند!

پگاه: ساشاایلیچ گلر پا به سن گذاشته مقدونیه ای و گیلاتوری دفاع چپ گرجی را خریده است. آیا مقدونیه ای ها و گرجی ها این دو فوتبالیست را هنوز به یاد دارند؟

پیکان: مشهورترین فوتبالیست خارجی تاریخ ایران یعنی تاریبووست دفاع سابق تیم های ملی نیجریه و اینترمیلان در دوران بازنشستگی به این تیم پیوسته است اما پیکانی ها در ۹ هفته ابتدایی نتوانستند از وست تا آماده و تجربیاتش بهره بگیرند و سرانجام به دلایلی نامعلوم قرارداد وی را فسخ کردند. ابراهیم توره مهاجم سنگالی و «کندو» دیگر فوروارد آفریقایی این تیم هم بتازگی بر جمع پیکانی ها پیوسته اند. البته هیچ کدام از این بازیکن ها در قواره ملی پوشان کشور خود نیستند.

برق شیراز: این تیم مارتین رائول گلر اروگوئه ای را به خدمت گرفته و محمدناصر شکرون مهاجم عراقی هم به جمع آنها اضافه شده است. متأسفانه این دو هم سرشناس نیستند.

مس کرمان: پائولو زالدرون و جرالدومورالس مهاجم و هافبک برزیلی این تیم هستند. قرار است اونیوه دیگر هافبک برزیلی هم به جمع آنها پیوندد. مس سوکو بوفانا مدافع آفریقایی سال قبل تیم شهرداری بندر عباس را نیز به خدمت گرفته است. از این جمع تنها زالدرون بازیکن مؤثری برای کرمانی هاست.

پاس همدان: ساندرو تومیچ (گلر)، امیر ابوچا و طارق اختیارویچ ۳ بازیکن کروات و بوسنیایی هستند که گفته می شود بگوییچ آنها را به باشگاه تحمیل کرده است. کارشناسان این ۳ بازیکن را در حد لیگ یک ایران هم نمی دانند.

ذوب آهن: جورجوویچ سرمربی این تیم آرمن گیگر اربان ارمنستانی و داسیلوای برزیلی را برای خط میانی خرید اما اثری از آنها در ترکیب اصلی نیست. محمدمن ساح هافبک چپ پای آفریقایی این تیم تنها خارجی است که در ترکیب ثابت تیم اصفهان دیده می شود.

استقلال: آبی ها طبق معمول سنت شکنی نکردند و با خرید «سان جان» هافبک متوسط مقدونیه در خرید بازیان خارجی ضعیف تر از همه نشان دادند. در سال های قبل داسیلوا، کوبیکه، فابیو، گومز و... نفراتی بودند که کسی متوجه نشد چگونه به تیم استقلال راه یافته بودند.

صنعت نفت: برزیل ایران ۳ بازیکن برزیلی در و دمینتا لژیونرهای تیم جنوبی هستند.

شیرین فراز: بدراجاکیتا دفاع اهل مالی فصل پیش شهرداری بندر عباس به این تیم پیوسته است. ایوان دراگووچ و ننادا استویکوویچ هم دو صربستانی تازه وارد کرمانشاهی ها هستند که باید برای دیدن کیفیت کار آنها کمی صبر کرد.

ملوان، مقاومت سپاسی و استقلال اهواز تیم هایی هستند که در این فصل بازیکن خارجی ندارند.

الونگ

سان جان(چپ)

مقسا(چپ)

عماد رضا

آلوز

پتروویچ

اینیچو

اولروم

چگونه آرسنال بدون آنری متبلور شد؟

عصر طلایی و جدید توپچی ها

[وصال روحانی/ منبع: Uefa]

آرسنال، باشگاهی که به ثبات تشکیلاتی معروف بوده، ماه های ناآرامی را از این بابت گذرانده و تحرکات و اقدام های جدید یک ائتلاف تازه به سرکردگی سرمایه گذاری به نام آلیشر عثمانوف روسی در هفته های اخیر می کوشیده است تا این باشگاه معتبر و قدیمی شهر لندن را بخرد و پیش از آن نیز «دیوید دین» نایب رئیس پرنفوذ توپچی ها از سمت خود استعفا داده و رفته بود و پیتر هیل وود رئیس باشگاه نیز از هرسو تحت فشار قرار داشته تا تکلیف تملک باشگاه را روشن کند اما به رغم تمامی نامرادی ها و نوسان ها تیم فوتبال آرسنال در میدان مسابقات عالی کار کرده، به طوری که در ۱۲ بازی نخست خود در این فصل در کلیه جام ها بی شکست مانده و به صدر جدول لیگ برتر انگلیس نیز ارتقا یافته است. این موفقیت و بازی های روان و زیبا و پر گل آرسنال زمانی با ارزش تر و عجیب تر می شود که در نظر بگیریم این تیم تابستان امسال تک ستاره بزرگش تیه ری آنری فرانسوی را نیز برابر با تمامی انتظارها و اخبار سه سال اخیر به بارسلونای اسپانیا فروخت و در شروع فصل به نظر می رسید که برای کسب موفقیت در میدان های بزرگ فاقد استحکام و تجربه لازم باشد، بخصوص که براثر روند دلخواه آرسن وانژه و انتخاب های این مربی معمولاً آرام فرانسوی طی دو سه سال اخیر بشدت جوان و سرشار از بازیگران کم سن و سال شده و عنصر تجربه در این تیم به کمترین حد رسیده است.

● تمدید همکاری

با این حال آرسنال حتی در نخستین بازی اش در فصل جدید جام قهرمانان اروپا نیز به برتری عالی ۰-۳ بر سه ویای اسپانیا نایل شده و در دومین دیدار نیز «اسلاویا» پراگ چک را برده است و تمامی این تحولات در حالی حاصل آمده که زمزمه های جدایی وانژه هم از آرسنال در ماه های گذشته شنیده می شد و آن اخبار فقط زمانی فروکش کرد که اعلام شد مربی سابق موناکو موافقت اش را با تمدید قرارداد همکاری با قرمزپوش های پایتخت انگلیس تا سال ۲۰۱۱ اعلام کرده است. اگر وانژه هم لندن را ترک می گفت، لطمه ای اساسی تر به آرسنال وارد می شد، زیرا این باشگاه در ۱۱ سال

سیاست های جوانگرایی آرسن وانژه جواب داده و باشگاه معتبر لندنی صاحب یکی از مستعدترین تیم های فعلی فوتبال اروپا است

زمامداری وی از هر جهت با افکار و ایده ها و گرایش های او خو گرفته و معلوم نبود که در غیاب وی چه کسی می تواند جوانان درخشان اما نه چندان صبور آرسنال را از معابر سخت پیش رو عبور دهد.

پیروزی های اخیر آرسنال و منجمله برد قاطع در برابر «سه ویا» سندی بر صحت سیاست های وانژه و کاربرد مثبت آنها در درازمدت بوده است. همان طور که پیشتر گفتیم رویکرد وانژه به تعداد زیادی جوان موجب ظهور بازیگران مستعدی مثل دیابی، ابوته، توره، سندروس، کلیشی، دنیلسون، الیادیره، فابرگاس، فلامینی، فان پرسی، دابلیور و بندنتر در سال های اخیر شده و از همین طریق روسیچکی و هلب نیز به وسیله آرسنال خریداری شده اند که از مستعدترین بازیگران «حدود ۲۵ سال سن» در فوتبال اروپا هستند. حتی خود وانژه هم معترف است که اصلاً انتظار نداشته است این جوانان بدون داشتن مقدمات و وقت لازم این گونه سریع در محیط جا بیفتند و شروع به درخشش در بالاترین سطح فوتبال انگلیس و حتی اروپا کنند و کم نیاورند. وانژه به واقع از ابتدای پائیز ۱۹۹۶ که در هایبری (ورزشگاه اختصاصی پیشین آرسنال) سکاندار و اداره کننده تمام مسائل شد، ساختار و بافت و نحوه عمل را در این تیم عوض کرد و بنای تازه ای را ریخت و آرسنالی که اینک می شناسیم و روی آن حساب می کنیم و به کلی متفاوت با آرسنال «قدرتی اما خشک» دوران کار جورج گراهام است با همت و دید متفاوت مربی سابق موناکو و گرامپوس ایت ساخته شده است.

● حتی در روزهای منفی

با این حال وقتی دیوید دین که ارتباط کاری نزدیکی با وانژه داشت، در پی اختلاف سلیقه با سایر مدیران آرسنال پست نایب رئیسی باشگاه را رها کرد، این احتمال به وجود آمد که دوست نزدیک وی وانژه نیز همان راه را طی کند و او هم از لندن رفتنی باشد. هنوز هم در ناراحتی وانژه از جداشدن دیوید دین از آرسنال تردیدی وجود ندارد اما او می گوید حتی در آن روزهای منفی تصمیم به ماندن در لندن داشته و هرگز به ترک آن جا نیندیشیده است. خود او می گوید: «این که تصور شود من از آرسنال می روم، یک برداشت کاملاً دور از ذهن است و خود من هرگز چنین چیزی را نخواسته ام. برعکس همیشه احساس کرده ام که دوره جدید، می تواند یک عصر طلایی برای ما باشد. این یک تیم تازه و مدرن و صاحب توانایی های فراوان و متنوع است و حتی زمانی که به این جوان ها میدان می دادم و باعث رشدشان می شدم، اصلاً فکر نمی کردم که تا این حد مستعد باشند. تشکیل سریع تیمی یک دست و موفق براساس مهارت های آنان تصوری دور از ذهن بود اما چیزی است که به وقوع پیوسته است. این تیم می تواند به بالاترین مدارج برسد و اگر می بینید که در لندن ماندنی شده ام با باور چنین مسأله ای است.»

● جشمگیر و نادر

در این که آرسنال بتواند با جوانان با استعدادش قله های زیادی را فتح کند، از ابتدا هم شکی وجود نداشت. اما کمتر کسی فکر می کرد آنها این قدر زود و بدون حداقل ۴ - ۵ سال بازی در کنار یکدیگر به پرواز درآیند. بازی گروهی آنان عالی و در عین حال مهارت های فردی شان نیز درسطحی چشمگیر و نادر (لااقل برای لیگ برتر انگلیس) بوده است.

شاید عده ای متعجب باشند که اوجگیری مجدد آرسنال درست در فصلی روی داده که تیه ری آنری معروف و هموطن تکنیکی وانژه لندن را ترک گفته و پیراهن برلسونا را به تن کرده اما حقیقت آن است که جدایی او موجب تبلور بیشتر جوان ترها در آرسنال شده که دیگر ستاره ای درشت را کنار خود نمی بینند که به تنهایی حلال مشکلات باشد و به واقع حالا که آنری نیست خود آنها باید به حرکت در آیند و نیازها را تأمین و مشکلات را حل کنند. وانژه می گوید: «با رفتن آنری ما طبعاً بازیکن بزرگ و کم نظیری را از دست داده ایم و شکی نیست که غیبت او محسوس بوده است. اما در نقطه مقابل جدایی او باعث تبلور و تجلی اجباری سایرین شده و برای آنها چاره ای جز بهتر بازی کردن و کوشش برای پر کردن جای او نمانده و آنها از عهده این کار عالی بر آمده اند. این بچه ها نه تنها نترسیده اند بلکه ابتکار عمل را به بهترین شکل به دست گرفته اند. در گذشته در تیم ما همه راه ها به یک نفر (آنری) ختم می شد، و این باعث تنبلی و عدم تکامل بازی سایرین می شد، اما امروز دیگر چنین نیست و همه به حرکت درآمده اند.»

● ضررهای ماجرا

با این حال برخی می گویند آرسنال به طرز فزاینده ای به سمت وابسته شدن به سسک فابرگاس به پیش می تازد و اگر در گذشته بشدت متکی بر آنری بود، حالا به همان شکل (والبته ابعادی کمتر) به این هافبک خلاق اسپانیایی امید بسته است. وانژه هوشیارتر از آن است که ضررهای این مسأله را نشناسد و از آن جلوگیری نکند. «به فابرگاس گفته ام که بیش از فکر کردن به وابستگی دیگران به خودش، به تکامل بازی اش و پیشرفت فنی خود فکر کند و گمان نکند که کارش کامل است. او باید به تلاش و تمرین های گسترده ادامه دهد تا سرانجام چیزی شود که هواداران وی فکر می کنند و همین حالا هم هست. کار او به همین خاطر از همه سخت تر است.»

ولی سخت تر از همه کار خود وانژه است زیرا از این پس ستاره هایی را باید در لندن حفظ کند که پس از افزایش درخشش شان، در پایان فصل بیش از هر زمانی خواستار و خریدار خواهند شد. فابرگاس به عنوان سرآمد آنها کمترین فاصله را تا انتقال به رئال مادرید در تابستان امسال داشت و تابستان آینده می تواند ادامه ای بر همان روند و با شتابی بیشتر باشد.